

گفت‌وگوی
صبا با عوامل
نمایش «عشق»



عبدالرضا شبیبانی
کارگردان:

روابط بین فردی یکی از
دغدغه‌های اصلی من است

چگونه به انتخاب این متن رسیدید؟

من هم‌زمان که مشغول نوشتن بودم، ماه‌ها به دنبال متن مناسب نیز می‌گشتم تا اینکه کاملاً اتفاقی در یک کتاب فروشی با این کتاب مواجه شدم، آن را خواندم و به این نتیجه رسیدم که دقیقاً همان کاری است که باید انجام بدهم چرا که اساساً مسائل انسانی و روابط بین فردی یکی از دغدغه‌های اصلی من است. در برخی از آثار دیگرم نیز، چه در قالب رفرورمنس و چه اجراهای خیابانی، به این موضوع پرداخته‌ام. حتی در مضامین اشعارم نیز این دغدغه به وضوح دیده می‌شود. این متن در مقطعی برای من جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد، چرا که احساس می‌کردم هم می‌تواند برای مخاطب عام جذاب باشد و هم مخاطبان اهل قلم و اندیشه را با خود همراه کند. اینکه در اجرا تا چه اندازه در این زمینه موفق بوده‌ام، بحث دیگری است.

اثر نگاهی کاریکاتورگونه و انتقادی به روابط انسانی مانند دوستی و عشق و به‌طور کلی روابط انسانی دارد. در پرداخت به این ابعاد اثر در اجرا، چگونه پیش رفتید؟ و انتخاب اسباب بازی‌های پارک بر چه اساس بود؟
متن دارای دو وجه برجسته دارد نخست، بهره‌مندی از کمدی سنتی برادوی، و دوم، برخورداری از مؤلفه‌های متعدد کمدی ایزورد. من تلاش کردم هر دو وجه را در اجرا حفظ

کنم. شخصیت‌ها نیز در بسیاری از لحظات به کاریکاتور نزدیک می‌شوند. بنابراین سعی کردم این ویژگی‌ها را در شکل اجرایی کار نیز رعایت کنم. البته برخی عناصر برای من برجسته‌تر بودند و به برخی دیگر کمتر پرداختم. با اینکه مکان وقوع نمایش پارک است، اما در متن نمایش هیچ اشاره‌ای به وسایلی مانند سرسره، چرخ‌فلک و موارد مشابه نشده است و اساساً چنین عناصری در متن وجود ندارد. تنها به نیمکت و تیر چراغ برق اشاره می‌شود که تیر چراغ برق در متن، کارکرد دیگری دارد؛ کارکردی که من به دلیل محدودیت‌های موجود امکان اجرای دقیق آن را در ایران نداشتم و دستم از این جهت بسته بود. شخصیت‌های این نمایشنامه، بزرگسالانی هستند که با وجود سن و سال شان، مهم‌ترین مسائل زندگی، مانند عشق، رابطه و ازدواج را درست مانند کودکان، به شکل «خاله‌بازی» تجربه می‌کنند. آن‌ها به راحتی با یکدیگر وارد رابطه می‌شوند، خیلی زود از هم جدا می‌شوند، دعوا می‌کنند و دوباره سریع آشتی می‌کنند. یعنی با اساسی‌ترین مسائل انسان بزرگسال، رفتاری کودکانه دارند. بلاهتی که در رفتار آنها دیده می‌شود در واقع به نگاه فلسفی اثر برمی‌گردد نه اینکه ما صرفاً با آدم‌هایی خل و چل یا غیرعادی مواجه باشیم؛ بر همین اساس، من آن بُعد کودکانه فضای پارک را برجسته‌تر کردم و به سراغ استفاده از اسباب‌بازی‌های کودکان رفتم و ابعاد این اسباب‌بازی‌ها مانند سرسره به گونه‌ای است که آدم‌بزرگ‌ها می‌توانند با آن بازی کنند، اما به سختی و این انتخاب، آن وجه کاریکاتورگونه اثر را تقویت می‌کند.

به نظر می‌رسد در انتخاب بازیگران نیز توجه و حساسیت ویژه‌ای به خرج داده شده است، چرا که بازیگران باید بتوانند این نقش‌ها را به گونه‌ای اجرا کنند که هم باورپذیر باشد و هم بُعد کاریکاتورگونه اثر حفظ شود.

کاریکاتوری از روابط فردی حول محور عشق



مریم عظیمی
گفت‌وگو

نمایش «عشق» نوشته موری شیسگال نویسنده آمریکایی با ترجمه شهرام زرگر و به کارگردانی عبدالرضا شبیبانی، همان گونه که از نامش نیز برمی‌آید روابط بین فردی و عاشقانه را با رویکردی کاریکاتورگونه باز تعریف می‌کند و در ساختاری کمیک تاثیر افکار و ضعف‌های فردی شخصیت‌ها بر روابط عاشقانه را در کنار نگاه اجتماعی و تعریفی که برای زن، مرد، عشق و خانواده ارائه شده به چالش کشیده و مطرح می‌کند. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

